



مصاحبه با دکتر عطاء الله بیگدلی

مرجان نقدی^۱

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

مختصری در بیوگرافی دکتر بیگدلی

الف) شرح مختصر سوابق تحصیلی

- دانش آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق از دانشگاه امام صادق (ورودی سال ۱۳۷۸).
- دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی از دانشگاه امام صادق و نفر اول دوره دکتری (ورودی ۱۳۸۶ - دفاع: خرداد ماه ۱۳۹۳).
- دارای پایان نامه برتر کارشناسی ارشد سال ۸۶ در رشته حقوق خصوصی.
- دانشجوی برتر دکتری دانشگاه امام صادق در سال ۱۳۹۰.

ب) سوابق تدریس

- فلسفه اسلامی و فلسفه غرب.
- جریان های فکری ایران معاصر با تأکید بر رویکردهای غرب شناسی.
- مباحث حوزه علم دینی و فلسفه علم.

¹ 1- Email: maaarjaaaan.n98@gmail.com

* (مصاحبه گر)

- تاریخ تمدن جهان و تاریخ انبیاء.
- مطالعات میان رشته‌ای و فلسفه حقوق و حقوق خانواده.
- حقوق تعهدات و قراردادها.
- تدریس در دوره‌های مختلف غرب شناسی (تاریخ تمدن، هگل، مارکس و...).
- تدریس در دوره‌های شهید مطهری.
- تدریس درس فلسفه حقوق مقطع دکتری دانشگاه باقرالعلوم (ترم اول سال ۱۳۹۴-۹۵).
- تدریس درس مبانی حقوق مقطع دکتری دانشگاه باقرالعلوم (ترم دوم سال ۱۳۹۴-۹۵).
- تدریس درس مقدمه علم حقوق در دانشگاه امام صادق (از سال ۸۸ تا ۹۳).
- تدریس درس مدنی یک در دانشگاه امام صادق.
- تدریس درس آشنائی با حقوق تجارت (اسناد و ورشکستگی) دانشگاه امام صادق ترم دوم سال ۹۴.
- تدریس چند دوره فلسفه حقوق در میز فلسفه حقوق دانشگاه تهران (۱۳۹۳)، میز تخصصی حقوق دانشگاه شیراز (۱۳۹۲)، مؤسسه طلوع حق (۱۳۹۳).
- تدریس تاریخ تمدن جهان در دوره‌های غرب‌شناسی مانند والعصر، عهد، دانشگاه موازی، دانشگاه شیراز، میز فلسفه حقوق کانون جنبش نرم افزاری دانشگاه تهران، دوره‌های آموزشی مؤسسه اشراق، طرح ضیافت اندیشه دانشگاه شیراز و... (بیش از بیست دوره تدریس).
- تدریس تاریخ تمدن غرب و تاریخ فلسفه غرب در چندین دوره بنیاد حیات بابل. (بیش از ۷ دوره در هفت سال).

ج) سخنرانی‌های متعدد علمی و سیاسی؛ از جمله:

- عقلانیت از منظر اسلام و غرب، مناظره با استاد سوزنچی، دانشگاه امام صادق، زمستان ۱۳۹۱.
- غرب‌شناسی، چالش‌ها و انتقادات، مناظره با استاد هاشمی گلپایگانی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- توسعه به مثابه نظم عمومی در حقوق، دانشگاه امام صادق، اردیبهشت ۱۳۹۲.
- داوری کرسی آزاد اندیشی با موضوع: دستور گرایبی و حقوق ساخت سازمان نهادی اجتماع بر اساس اندیشه اسلامی» ارائه جت‌الاسلام والمسلمین سیداحسان رفیعی علوی، آبان ۱۳۹۲.

- داوری کرسی آزاد اندیشی با موضوع: نقد مبانی قانون مجازات اسلامی: تعریف جرم، با نظریه پردازی حجت الاسلام و المسلمین دکتر جلیل محبی، دی ۱۳۹۲.
- درآمدی انتقادی بر تئوری اعتباریات علامه طباطبائی. سازمان بسیج حقوقدانان، تابستان ۱۳۹۲.
- نسبت بین قانون و توسعه دانشگاه امام صادق، اردیبهشت ۱۳۹۳.
- فلسفه حقوق تعهدات، دانشگاه باقرالعلوم، مهرماه ۱۳۹۳.
- نسبت فلسفه حقوق مدرن و فلسفه غرب، دانشگاه تهران، میز فلسفه حقوق، بهار ۱۳۹۴.
- بحران حقوق ایرانی، درآمدی بر مسائل و راه‌حل‌های حقوقی در ایران، مؤسسه اشراق، ۱۳۹۴.

(د) سوابق اجرایی

- مسئول گروه مطالعات حقوقی و سیاسی جوانان مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق به مدت چهار سال (۸۶-۹۰).
- سرپرست معاونت پژوهشی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع) از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲.
- مدیر داخلی و دبیر هیأت تحریره، ویراستار، صفحه‌آرا و نمایه‌ساز و... مجله علمی پژوهشی «پژوهش‌نامه حقوق اسلامی» دانشگاه امام صادق.
- مدیر داخلی مجله علمی تخصصی معارف اسلامی و حقوق.
- دبیر و عضویت در کمیته رسانه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.

(ه) سوابق پژوهشی و تالیفی

- نگارش پیش‌نویس و مدیریت طرح تدوین قانون احزاب و مبانی نظری آن (وزرات کشور).
- مسؤول یک دوره طرح کشوری والعصر با موضوع غرب‌شناسی و یهودشناسی.
- همکاری و عضویت در هیأت تدوین نقشه جامع فرهنگی کشور در مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق و تدوین بخش مبانی نظری نقشه.
- همکاری در تدوین مبانی نظری برنامه پنجم توسعه (تدوین مقاله).
- همکاری در تدوین کتاب ۵ جلدی «تفکر، فرهنگ، تمدن، از آغاز تا اکنون» منتشر شده در سازمان ملی جوانان (۱۳۸۶) و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (۱۳۹۰).

- ویراستاری علمی کتاب گفتارهایی در علم دینی (والعصر)، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- ویراستاری علمی کتاب گفتارهایی در زمانه‌شناسی (والعصر)، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- ویراستار علمی کتاب گفتارهایی در تاریخ تمدن، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.
- سبک زندگی، شهرنشینی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۴.
- مقاله «حاکمیت اراده در فقه امامیه، نظام رومی ژرمنی و حقوق ایران؛ درآمدی مبنائی- فلسفی» فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های حقوقی»، دانشگاه امام صادق شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۳.
- مقاله «مالکیت مافی‌الذمه در حقوق ایران، فرانسه، مصر و فقه امامیه» در مجله معارف اسلامی و حقوق شماره ۲۶ سال هشتم شماره دوم- پائیز و زمستان ۱۳۸۶.
- مقاله «اسقاط خيارات در حقوق ایران و فقه امامیه»، در مجله معارف اسلامی و حقوق، شماره ۳۱، سال یازدهم شماره اول- بهار و تابستان ۱۳۸۹.
- مقاله «مبانی انسان‌شناختی و فلسفه تاریخی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فقه امامیه و حقوق ایران (مطالعه موردی: سن نکاح، ولایت بر نکاح صغیر و تعدد زوجات)» در فصلنامه علوم انسانی اسلامی رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، زمستان و بهار ۱۳۸۷-۱۳۸۸.
- مقاله «رهیافتی نو به ضوابط تشخیص مصلحت، از ضابطه تا فرآیند»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست‌های راهبردی و کلان، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ دوره ۱، شماره ۲- تابستان ۱۳۹۲.
- مقاله «بررسی و نقد کتاب (بررسی تطبیقی عقد بیع در قانون مدنی فرانسه و حقوق ایران)»
- مقاله «درآمدی بر برزخ‌نشینی»، در کتاب گفتارهایی در زمانه‌شناسی (والعصر)، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- مقاله از «علم دینی تا تحیر قدسی» در کتاب گفتارهایی در علم دینی (والعصر)، انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰.
- مقاله «انسان‌شناسی جنسیتی و مسأله حجاب در اسلام و غرب؛ با تأکید بر کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض از زنان»، در کتاب: تأملی بر ابعاد عملی و تجربی حجاب به اهتمام محمد جواد جاوید، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.

- مقاله «مروری بر دیدگاه‌های مهم انسان‌شناختی و بررسی آثار حقوقی هر یک» در کتاب درآمدی بر علم دینی به کوشش دکتر خندان، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
- مقاله «بررسی برخی احکام و قوانین ازدواج و مبانی آن‌ها» در کتاب درآمدی بر علم دینی به کوشش دکتر خندان، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
- مقاله «انقلاب اسلامی از انتظار تمدن تا تمدن انتظار» در کتاب مجموعه مقالات عاشورا پژوهی، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶.
- مقاله «مبنای حق دسترسی به اطلاعات شهری، الگوسازی شده با پیام گمراه‌گر و هدایت‌گر در فقه امامیه» منتشر شده در کتاب: مجموعه مقالات همایش اطلاع‌رسانی شهری، شهرداری تهران، ۱۳۸۷.
- مقاله «میزان آشنائی جوانان با موازین حقوقی» در کتاب «جوانان و توسعه پایدار»، تهران: سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۹.
- مقاله «مبانی انسان‌شناختی جنسیتی حجاب» چاپ شده در کتاب: «مجموعه مقاله همایش حجاب»، پژوهشگاه وزارت علوم و فناوری، ۱۳۸۸.
- مقاله «مبانی انسان‌شناسی اسلامی و تأثیر آن بر برنامه‌ریزی»، در کتاب: تبیین و تنظیم مبانی نظری پیشرفت و عدالت در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور با همکاری مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۸.
- مقاله «سبک‌زندگی زن مسلمان ایرانی، پارادایم مختلط اسلامی- غربی»، در مجموعه مقالات کنگره هفت هزار زن شهید.



و اما مصاحبه با ایشان:

سلام علیکم

چون سوالات مفصل است، هر یک را در یک بند پاسخ می‌دهم:

دسته اول:

۱) با توجه به اینکه حقوق در کشورهای غربی ریشه‌ای است که تماماً بر مبنای انسان و مرجعیت انسان ایجاد شده و در کشور ما بر مبنای شارع مقدس قوانین را ایجاد می‌کند، حال وارد کردن حقوق فرانسه به حقوق ما چه آثاری را در پی دارد؟

پاسخ: اصولاً تاریخ حقوق ایران تاریخ منازعه بین حقوق مدرن (حقوق سکولار انسان محور که در کشورهای اروپای غربی و آمریکا ایجاد و گسترش یافته) با فقه اسلامی است؛ (به خصوص فقه شیعی) حقوق کشور ما، فقه نیست، بلکه

برساختی از کنش دو نظام حقوقی سکولار مدرن و الهی فقهی است. این در هم شدگی منجر به ایجاد اغتشاش در همه حوزه‌های حقوقی شده است، از مبانی گرفته تا مفاهیم پایه (همچون مشروعیت، جرم، عقد) تا مفاهیم کارآمدی، احکام قانونی، ساختار تقنینی، ساختار قضائی و... این اغتشاش به هیچ وجه قابل حل نیست.

۲) با توجه به اینکه مبنای فرانسه (عقل اومانیستی) با مبنای ما (شارع مقدس) تفاوت دارد، آیا اصلاً وارد کردن حقوق آن‌ها به حقوق خود کار درستی است؟ این کار ممکن نیست؛ اما چون شرایط تاریخی ما چنین اقتضائی داشته است از آن ناچار بوده‌ایم، لذا درست است، آن‌گاه که راه حل دیگری وجود ندارد، اجرای آن راه حل باقی مانده درست است، اما باید تبعات آن

را پذیرفت، نظام فقهی دیگر قابلیت اجرا در ایران معاصر را نداشت و ندارد، حقوق مدرن نیز نداشت و ندارد، تنها راه رفع معضلات حقوقی به دست دادن ترکیبی از این دو است، ترکیبی که ذاتاً چالش برانگیز است؛ اما لابد است.

۳) اینکه بیان می‌شود که برخی از حقوق حق فردی است و ارتباطی با زمان و مکان ندارد؛ بلکه مربوط به انسان بودن انسان است؛ مثل حق آزادی و... و بیان می‌دارند که چون مربوط به انسان است ارتباطی با این ندارد که این فرد مسلمان باشد یا نه و به همین دلیل اجازه وارد کردن مبانی و حقوق آن‌ها به حقوق خود را می‌دهد، آیا این سخن صحیحی است؟ آیا این سخن که انسان چون انسان

است، می‌تواند برخی حقوق را داشته باشد، خود این حرف در تعارض با مبانی ما نیست؟

به نظر من چون چیزی به نام انسان وجود ندارد، حقوق انسانی یا بشری مشترک نیز وجود ندارد و اصل این سخن مبتنی بر رویکرد مدرن (در برابر پست مدرن) است. این سخن در رویکردهای پست مدرن که البته سهم ناچیزی در واقع غرب دارند نیز مورد توجه است. اما جریان اصلی همان جریان حقوق بشری مدرن و قرن هجدهمی است که برای انسان ذات ثابت در نظر می‌گیرد. از سوی دیگر بر فرض قبول ذات ثابت برای انسان‌ها این نکته محل اختلاف است که از کجا معلوم است مفاهیمی چون آزادی، برابری و... فطری و بشری هستند؟ شاید مفاهیمی چون عبودیت و اختلاف طبیعی، بشری و فطری باشند و حقوق بشر باید این حقوق را به رسمیت بشناسد.

دسته دوم:

۴) حقوق چیست؟ چگونه علمی است؟

در اینجا منظور من از حقوق، حقوق مدرن است، نه فقه یا وضعیت قوانین در ایران. تعریف حقوق مدرن دارای سه عنصر است: «علم جعل، علم به جعلیات و فن به کارگیری جعلیات» است؛ یعنی علمی است که در آن از این موضع بحث می‌شود که چگونه می‌توان قانون و قواعد اجتماعی را جعل و وضع نمود؟ علمی است که از روش وضع و تقنین بحث می‌کند. از سوی دیگر بیشتر موضوعات علم حقوق امروزه آگاهی شما از وضعیات و مجعولاتی است که تا کنون وضع شده. قانون تجارت را برخی حقوقدانان براساس دانشی وضع کرده‌اند و مجلس تصویب نموده، حال شما به عنوان دانشجوی حقوق آن قوانین را یاد می‌گیرید. از سوی دیگر به تدریج می‌آموزید که

اگر بخواهید چنین قوانینی وضع کنید به چه دانش‌هایی نیاز دارید. وجه سوم حقوق نیر فن به کارگیری این دانش در امور عملی مانند قضاوت و وکالات است.

۵) آیا حقوق علم است؟

روشن شد که بخشی از حقوق علم به چگونگی وضع و بخشی علم به وضعیات دیگران است. یعنی علم حقیقی نیست، بلکه علم به اعتبار برخی افراد انسانی دیگر و علم و یادگیری اعتبار کردن و وضع است.

۶) اگر حقوق را علم در نظر بگیریم، روش این علم چیست؟

در قسمت فهم علوم مورد نیاز برای جعل، روش آن پوزیتیویستی و اثباتی است در قسمت مربوط به علم و آگاهی از قوانین به مثابه مجعولات دیگران، روشش تفسیری و هرمنیوتیکی است. در قسمت اجرای علم و فن روشش پراگماتیستی است.

۷) علم به معنای science می‌تواند با حقوق جمع شود؟ بله، در قسمتی که ناظر به روش جعل است، روش حقوق با روش science یکی است و هر دو اثباتی و تجربی هستند. اما غیر دقیق است و جزء علوم دقیقه محسوب نمی‌شود.

۸) آیا حقوق ساخته و پرداخته‌ی عصر جدید و ساخته‌ی ذهن بشری است؟ یا از قبل هم در دین ما وجود داشته؟

حقوق مدرن اصولاً مجعولات سوژه است و وجود آن در جهان دینی ممتنع است، فقه ما انزل الله و حکم شارع است، در حالی که حقوق مدرن اومانستی-سویژکتیو است و هیچ مرجع فرا انسانی را قبول ندارد.

۹) آیا امکان حقوق اسلامی وجود دارد؟

به نظر من خیر وجود ندارد، اما حقوق ایرانی ممکن است. دلیل این امتناع روشن است، حقوق انسانی و فقه (اسلام) الهی و

مبتنی بر مشروعیت الهی است و این دو در مبانی، غایات، روش و... با هم قابل جمع نیستند.

۱۰) التقاط حقوق فرانسه و اسلام چه آثاری را در پی داشته؟

تذبذب و التقاط در مبانی، مفاهیم، معانی بنیادین، احکام، ساختارها و سرانجام ناکارآمدی وضعیت حقوقی ایران.

۱۱) اینکه عصر مدرن این اجازه را به انسان می‌دهد که حقوقش را خودش ایجاد کند، آیا خطر آفرین نیست؟

خطر همیشه در کمین ما است، خطر یعنی از دست رفتن سعادت؛ یعنی دچار شدن به عذابی جاودان، خطر یعنی

سخت ابدی الهی، ولو در این جهان چند صباحی هم به تاخت و تاز مشغول باشد از باب سنت املاء و استدراج! لذا اگر منظور آن است که این وضعیت منجر به بی‌نظمی در دنیا شود، خیر در دوران آخرالزمان (غیبت معصوم) از باب سنت

املاء و استدراج به جهان اومانستی اجازه داده شده است؛ بدون نگرانی تا جای ممکن کفر بورزد. اما اگر منظور خطر آخرتی است بله، این کار اوج خطر است!

۱۲) یکی از ویژگی‌های طبیعی انسان

self_observation یا همان خودپایی است این حقوق

ایجاد شده تا چه اندازه

می‌تواند از این ویژگی

حفاظت کند؟ (منظور از

self_observation این است

که انسان مدرن همواره به

دنبال خودپایی و جاودان

شدن است در این دوران که

انسان‌ها همگی در حال

جنگ برای نیل به این هدف

هستند یافتن راهی برای آن

می‌تواند کمک بزرگی به

انسان‌ها کرده که شاید یکی

از آن راهروها همین وضع

قوانین توسط انسان‌ها باشد)

با شما در مورد این که چنین چیزی طبیعی انسان (ذات انسان، طبیعت انسان) است موافق نیستیم. اما اگر باشد تا حدود بسیار زیادی می‌تواند این کار را انجام دهد.

۱۳) حقوق اروپایی حقوق کاربردی تری است یا حقوق اسلامی؟ و حقوق ایرانی که التقاطی از این دو است بهتر است به کدام سمت برود؟

حقوق اسلامی برای انسان مسلمان و جوامع اسلامی کاربردی و ضروری است، حقوق اروپائی و مدرن نیز برای انسان مدرن و آمریکائی بسیار کارآمد است. البته حقوق ایرانی نیز برای وضعیت فعلی ایران کارآمد است و کار اداره جامعه را راه می‌اندازد. مهم نیست حقوق ایران به کدام سمت برود، مهم این است که به یک سمت برود، اما چون چنین اراده جمعی وجود ندارد، تا اطلاع ثانوی وضع حقوق ایران همین است و به جای اصلاح بنیادین آن باید

به اصلاحات جزئی در راستای کارامدی بیشتر فکر کرد.

۱۴) چگونه می‌شود که مبنا و پایه‌ی ما در حقوق اسلامی باشد؛ اما شکل آن به صورت اروپایی باشد؟

در یک صورت تفکیک شکل و محتوا ممکن است و آن این است که به اصل این مسأله خودآگاهی پیدا شود که چنین امری از لحاظ نظری ممتنع است. وقتی کسی که در مقام جمع بین فقه و حقوق مدرن است دریابد که نظراً این امر محال است، امکان جمع عملی از باب ثانوی و لا ضرر و... پیدا می‌کند. یعنی مقام و وضعیت - موقعیتی می‌یابد که چنین امری برایش ممکن می‌شود.

۱۵) کتاب «رساله یک کلمه»، اولین کتابی است که در ایران درباره‌ی فلسفه حقوق نوشته شده می‌بینیم که کتاب سراسر در حال مقایسه کردن حقوق ما با

فرانسه است این مقایسه کردن چه کمکی به ما میکند و ما چرا همواره در حال مقایسه کردن هستیم؟

ما از همان سال‌ها به مقایسه کردن افتادیم. قبل از آن مقایسه نمی‌کردیم. دلیل اصلی غلبه تام و تمام فضای «زوال» در ما ایرانیان است. ما بعد از جنگ‌های ایران و روس شکست خوردیم و بعد از آن دائم این باور را به صورت قطعی پذیرفتیم که ایران در حال زوال و شکست است. اصلی‌ترین پرسش ایران در ۲۰۰ سال گذشته آن است که چرا شکست خوردیم و می‌خوریم. و مقایسه ریشه در این باور و ایمان عمیق دارد.

۱۶) اینکه بین حقوق اسلامی و فرانسه اشتراکاتی وجود دارد این اشتراک چگونه است؟ از اسلام به فرانسه رفته یا برعکس؟ میتوان گفت حقوق فرانسه از اسلام گرفته شده است؟

نظام‌های حقوقی دارای یک فرایند هستند. اکنون اشتراکی وجود ندارد، آن زمان اگر وجود داشته، ناشی از کمتر اومانیستی بودن فرانسه و ملهم از مسیحیت بوده است. هیچ نشان و مدرک تاریخی‌ای وجود ندارد که نشان دهد حقوق فرانسه یا هر جای دیگر دنیا کوچکترین آشنائی با حقوق اسلامی داشته یا از آن گرتصبرداری کرده باشد، اگر هم چنین شده باشد در یک فرایند تاریخ آن اشتراکات کمتر و کمتر شده است.

۱۷) در جایی از کتاب گفته شده: «code های نظام فرانسه در قبال چگونگی مبادی اجتهاد کرده، حق است یا باطل»، می‌توان اینکه code های فرانسه به دنبال حق و باطل بودن هستند را این‌گونه تفسیر کرد که آن‌ها به دنبال اسلام هستند؟

این بازخوانی یک نظام با مفاهیم نظام دیگر است که جز بدفهمی و غالباً تمسخر طرف مقابل ثمره‌ای ندارد. کدهای فرانسه دنبال حق و باطل هستند؟! حتماً ذیل ولایت الهیه و کلیه مولی الموحدین! در اینجا معیار حق و باطل بودن چیست و چه کسی حق بودن یا باطل بودن آن را تعیین می‌کند؟

عرض شد که حق و باطل واژگان و مفاهیمی دینی هستند و توصیف حقوق مدرن با آن‌ها عملاً موجب مضحکه است.

۱۸) در جایی از کتاب گفته شده که: «در نظر شریعت اسلام و علمای اروپا در این امر که حاکم کیست و مبدأ حکومت چیست متفق است که حاکم یزدان است!!!»، اینکه علمای اسلامی قائل به شارع مقدس است؛ اما علمای اروپایی قائل به

محوریت انسان هستند، این اتفاق نظر چگونه اتفاق می‌افتد؟

این بالاترین مثال تاریخی برای نفهمیدن غرب است. ما تا سالیان درازی گمان می‌کردیم غرب، مسیحی است. در حالی که غرب از قرن ۱۹ به این سو مسیحی نیست. این دست سخنان مهمل، شاید رد آن تاریخ موجه بود (هنوز مسیحیت ادامه داشت یا زبان فلاسفه مسیحی بود و...); اما اکنون بیشتر ارزش تاریخی دارد، طرفه آن که هنوز برخی از ایرانیان این‌گونه می‌اندیشند و به دنبال اشتراکات با غرب مدرن و سکولار در سنت دین بیخود هستند، این پیگیری تاریخی موجب شگفتی و طنز است.

با تشکر از شما و
آرزوی توفیق روزافزون
برایتان دکتر بیگدلی؛
خدا نگهدار!